

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده‌ی علوم انسانی
مرکز تهران

گروه

حقوق

عنوان پایان‌نامه

تحلیل قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل

نگارش

عبدالله قره‌باغی

استاد راهنما

دکتر حسین شریفی طرازکوهی

استاد مشاور

دکتر توکل حبیب زاده

پایان‌نامه

برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی: **حقوق بین‌الملل**

سال ۱۳۸۹

مرداد ماه

چکیده

اقلیت در حقوق بین الملل، علی‌رغم فقدان تعریفی واحد و مورد قبول جامعه‌ی جهانی، دارای مصادیق قابل تشخیص و نسبتاً روشنی است. تبعیض نسبت به گروه‌های اقلیت نیز ظاهراً به معنای محروم نمودن گروه مورد نظر از برخی حقوق و تسهیلات است که اکثریت به آن دسترسی دارند. این حقوق ممکن است به شکل مستقیم و آشکار و یا غیرمستقیم و پنهان، اکثراً در قالب تمایزات فرهنگی و عدم مشارکت در امور عمومی، از اقلیت‌ها دریغ شود. این دیدگاه، دیدگاهی کاملاً سلبی و از منظر سیاسی مورد پسند است زیرا دادن امتیازات متساوی با اکثریت به اقلیت‌ها ممکن است یکپارچگی ملی را به مخاطره اندازد. سازوکارهای بین‌المللی که به این تبعیضات رسیدگی می‌نمایند نیز عمدتاً جنبه‌ی نظری و توصیه‌ای داشته و غیر از یک مورد، هیچ‌یک به‌طور تخصصی به مسأله‌ی اقلیت‌ها نمی‌پردازد؛ این در حالی است که تا سال‌های اخیر، تبعیض غیرمستقیم حتی مورد شناسایی هم قرارنگرفته بود. تاکنون، به دلایل سیاسی، کشورها تمایل داشته‌اند این تفسیر را در قوانین داخلی خود توجیه کنند. در سال‌های اخیر، تغییر شگرفی در این رویکرد دیده شده است. تفسیر سلبی از قوانین موجود در حال تبدیل به تفسیری ایجابی است و قوانین جدیدی در حال شکل‌گیری است که تبعیض ایجابی را تقویت می‌کند، بدین معنا که منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها فقط به مفهوم تساوی اقلیت‌ها با اکثریت در مقابل قانون و در برخورداری از تسهیلات اقتصادی، اجتماعی، مدنی، فرهنگی و سیاسی مشابه با اکثریت نیست، بلکه به معنای اعطای امتیازات و تسهیلات ویژه‌ای به اقلیت‌ها، بیش از آنچه که در اختیار اکثریت است، می‌باشد. البته، با لحاظ نمودن این مورد که این امتیازات اضافی نباید همیشگی باشد، بلکه فقط باید تا زمانی ادامه یابد که اقلیت‌ها بتوانند در سطحی متساوی با اکثریت در سطوح مختلف زندگی قرارگیرند و این امر پایدار بماند. به‌علاوه، امتیازات فوق‌الذکر باید بر پایه‌ی اهداف و اصول منطقی و عینی اعطا گردد. در حال حاضر، در برخی مناطق جهان، به‌ویژه در اروپا، این مفهوم در حال تثبیت شدن است. این امر، بالاخص در مسائل حقوقی چالش برانگیز جدید، مانند پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای، که از آنها به رسانه‌های جدید تعبیر می‌شود، مشهود است.

واژگان کلیدی: قاعده‌ی منع تبعیض، اقلیت‌ها، تبعیض غیرمستقیم، سازوکار نظارتی، تبعیض

مثبت

فهرست

طرح تحقیق	۸
الف- تبیین مسأله	۸
ب- سؤالات تحقیق	۱۰
ج- فرضیه‌ها	۱۱
د- سابقه و ضرورت انجام تحقیق	۱۲
ه- هدف تحقیق	۱۲
و- نقطه‌ی تمرکز تحقیق	۱۳
ز- روش تحقیق و گردآوری داده‌ها	۱۳
ح- سازماندهی پژوهش	۱۴
بخش اول: کلیات قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها و سازوکار نظارتی آن	۱۵
مقدمه	۱۶
فصل اول: مفهوم اقلیت و سیر تحولات تاریخی-حقوقی آن	۱۸
گفتار اول: مفهوم حقوقی اقلیت در سیر تحولات تاریخی	۱۹
مبحث اول: دیدگاه جامعه‌ی ملل	۲۲
مبحث دوم: دیدگاه سازمان ملل متحد	۲۳
مبحث سوم: دیدگاه‌های منطقه‌ای	۲۷
گفتار دوم: تعریف حقوقی اقلیت در دوران معاصر	۲۹
فصل دوم: مفهوم قاعده‌ی منع تبعیض	۳۳
گفتار اول: مفهوم قاعده‌ی منع تبعیض در کنوانسیون‌های بین‌المللی	۳۴
گفتار دوم: تفاسیر به عمل آمده از مفهوم منع تبعیض در رویه‌ی حقوقی بین‌المللی	۳۸
مبحث اول: تفاسیر به عمل آمده از مفهوم منع تبعیض در حوزه‌ی اروپا	۴۳
مبحث دوم: مصداق‌های رفتار تبعیض‌آمیز	۴۶
گفتار سوم: تبعیض غیرمستقیم	۴۸
فصل سوم: سازوکار نظارت بر اجرای اصل منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها	۵۲
گفتار اول: سازوکار جامعه‌ی ملل	۵۶
گفتار دوم: سازوکار سازمان ملل متحد	۵۷
مبحث اول: سامانه‌ی مبتنی بر معاهدات میان اعضای سازمان ملل	۵۷
۱- کمیته‌ی ناظر بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی (کمیته‌ی حقوق بشر)	۵۷

۵۸.....	الف- بررسی گزارش دولت‌های عضو
۵۸.....	ب- رسیدگی به شکایات دولت‌ها از یکدیگر
۵۹.....	ج- رسیدگی به شکایات فردی
۵۹.....	۲- کمیته‌ی ناظر بر میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵۹.....	۳- کمیته‌ی ناظر بر کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی
۶۱.....	۴- کمیته‌ی ناظر بر کنوانسیون حقوق کودک
۶۱.....	مبحث دوم: سامانه‌ی مبتنی بر منشور ملل متحد
۶۱.....	۱- شورای حقوق بشر/ کمیسیون حقوق بشر
۶۲.....	۲- کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر
۶۲.....	گفتار سوم: محاکم کیفری ویژه
۶۴.....	گفتار چهارم: نظام‌های منطقه‌ای
۶۴.....	مبحث اول: نظام اروپایی
۶۵.....	۱- کنوانسیون چارچوب برای حمایت از اقلیت‌های ملی
۶۵.....	۲- منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت
۶۵.....	۳- کمیسر عالی اقلیت‌های ملی
۶۶.....	۴- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین
۶۶.....	مبحث دوم: نظام امریکایی و آفریقایی
۶۷.....	بخش دوم: حرکت در راستای تبعیض مثبت
۶۸.....	مقدمه
۷۰.....	فصل اول: تبعیض مثبت و مفاهیم مرتبط با آن
۷۱.....	گفتار اول: تبعیض مثبت و اقدامات جبرانی
۷۵.....	گفتار دوم: تبعیض مثبت از لحاظ ماهوی و شکلی
۸۳.....	فصل دوم: راهبردها و موانع تبعیض مثبت ماهوی
۸۵.....	گفتار اول: حق تعیین سرنوشت اقلیت‌ها (و مردمان بومی)
۸۵.....	مبحث اول: پیشینه‌ی تاریخی تا پیش از منشور ملل متحد
۸۶.....	مبحث دوم: تعریف حق تعیین سرنوشت و مردمان
۸۸.....	مبحث سوم: دایره‌ی شمول حق تعیین سرنوشت و مردمان
۹۲.....	گفتار دوم: مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان
۹۲.....	مبحث اول: مشارکت اقلیت‌ها به‌عنوان یکی از استلزامات دموکراسی
۱۰۱.....	مبحث دوم: عناصر مشارکت مبتنی بر تبعیض مثبت

مبحث سوم: خودگردانی اقلیت‌ها	۱۰۴
فصل سوم: تبعیض مثبت فرهنگی (آموزش، زبان، شیوه‌ی زندگی)	۱۰۸
گفتار اول: تبعیض مثبت فرهنگی در رابطه با اقلیت‌ها و مردمان بومی	۱۱۰
مبحث اول: دیدگاه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۱۱۰
مبحث دوم: دیدگاه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۱۲
مبحث سوم: دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک	۱۱۵
مبحث چهارم: دیدگاه کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی	۱۱۷
گفتار دوم: تبعیض مثبت فرهنگی در رسانه‌های جدید	۱۲۱
مبحث اول: کنوانسیون چارچوب برای حمایت از اقلیت‌های ملی	۱۲۴
مبحث دوم: منشور اروپایی برای زبان‌های محلی یا اقلیت	۱۳۱
نتیجه‌گیری	۱۳۶
منابع	۱۴۲
چکیده‌ی انگلیسی	۱۵۴

علائم اختصاری

- ACFC** →Advisory Committee for Framework Convention
CCPR →International Covenant on Civil and Political Rights
CEDAW →Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women
CERD →Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination
CESC →International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
CO →Concluding Observation
CRC→ Convention on the Rights of the Child
CSCE →Commission on Security and Cooperation in Europe
DH-MIN →Committee of Experts on Issues Relating to the Protection of National Minorities (Council of Europe)
ECMI →European Center for Minority Issues
ECRML →European Charter for Regional or Minority Languages
EctHR →European Court of Human Rights
FCNM →Framework Convention for the Protection of National Minorities
GC →General Comment
HRC →Human Rights Committee
ICJ →International Court of Justice
ICTR →International Criminal Tribunal for Rwanda
ICTY →International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia
IPU →Inter-Parliamentary Union
JEMIE →Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe
LR →Lund Recommendation
OSCE →Organization for Security and Cooperation in Europe
PCIJ →Permanent Court of International Justice
UN Doc →United Nations Documents
UNTS →United Nations Treaty Series

طرح تحقیق

الف- تبیین مسأله

مسأله‌ی رعایت حقوق اقلیت‌ها و منع تبعیض نسبت به آنها از جمله مسائلی است که به‌ویژه امروزه مورد توجه و حمایت نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. هرچند جهان در چند دهه‌ی اخیر شاهد برخوردهای خصمانه و خشونت‌بار گروه‌های مختلف یا پاک‌سازیهای قومی اقلیت‌ها بوده‌است، تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف اندیشیده شده است.

حساسیت حامیان حقوق بشر و حقوقدانان نسبت به تبعیض در قبال اقلیت‌ها (عمدتاً اقلیت‌های مذهبی) خیلی پیشتر از نگرانی آنها نسبت به حقوق زنان و افراد دیگر پدید آمد. در دوران‌های قدیم تاریخ، زمانی که نظام فئودالی و سرکوب آزادی زنان همچنان پابرجا بود، معاهدات و موافقتنامه‌های معدودی سعی در دادن امتیازاتی بیش از پیش به اقلیت‌ها داشتند. این امتیازها صرفاً به دلایل سیاسی- مذهبی به گروه‌های اقلیت مذهبی داده می‌شد چراکه در صورت سرباززدن کشور میزبان از اجرای مفاد مورد توافق، کشور دیگر نیز از حمایت تابعین کشور اول دست برمی‌داشت؛ لذا، حمایت از اقلیت‌ها بر پایه‌ی ترس از اعمال تلافی جویانه صورت می‌گرفت. طبعاً، بنا بر احتیاجات هر دوره‌ای در تاریخ، عناصر شکل دهنده‌ی تبعیض نیز در قالب تعاریف گوناگونی مطرح شد.

به‌مرور زمان، دایره‌ی شمول مفهوم اقلیت بسیار گسترده‌تر شد و از حالت صرفاً مذهبی به قومیت و نژاد نیز تعمیم یافت. در دوران ما، ظهور جامعه‌ی ملل، نقشی اساسی در تغییر نگرش جهان نسبت به وضعیت اقلیت‌ها و حقوق ایشان و مفهوم تبعیض داشت. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، با طرح برخی مسائل حقوقی نسبت به این مسأله، فهم حقوقی جهان را ارتقاء داد. به تدریج، حمایت از اقلیت‌ها از قالب اعمال تلافی جویانه خارج شد و تا حدی تحت سیطره‌ی قوانین عمومی حقوق بشر قرار گرفت، به طوری که پس از جامعه‌ی ملل که نظراتی را در این زمینه صادر کرده بود، منشور ملل متحد از اختصاص ماده‌ای جداگانه به آن حذر کرده و به گنجاندن آن در کنار سایر قوانین حقوق بشری بسنده نمود (تنها در بند ۳ ماده‌ی ۱ منشور که در میان اهداف ملل متحد از پیشبرد و تشویق احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب نام برده شده است). علت این امر، از یک سو فشار دولتهایی بود که در آنها اقلیت‌های فراوانی وجود داشت، و از سوی دیگر ضروری ندانستن جدایی حقوق اقلیت‌ها از حقوق بشر بود زیرا با پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، عزم راسخ کشورها این پندار را ایجاد نمود که می‌توان حقوق بشر را آنقدر گسترش داد که حقوق اقلیت‌ها نیز جذب آن گردد. دولت‌ها برای نشان دادن پایبندی خود به حقوق بین‌الملل، غالباً با اعطای حداقل حقوق به اقلیت‌ها، تبعیض را از راه‌های پنهان‌تر و با وضع قوانینی که عملاً موجب محدودیت

اقلیت‌ها و اعمال تبعیض غیرمستقیم می‌شد ادامه دادند. پس از تصویب منشور، تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر گامی اساسی در پیشبرد حمایت از حقوق بشر به‌طور کلی محسوب می‌شد. البته، رویدادهای بعدی جهان، مخصوصاً دو قطبی شدن محض آن، نشان داد که طرح این اعلامیه با خوش‌بینی زیادی انجام شده است.

گام بعدی، تصویب دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود که به شیوه‌ای عملی‌تر به حقوق اقلیت‌ها نیز می‌پرداخت و مواردی را صریحاً یا تلویحاً به حمایت از حقوق اقلیت‌ها اختصاص می‌داد. با شروع جنگ سرد و در طول آن، به رغم وجود حمایت‌های جسته‌گریخته و ایجاد برخی نهادهایی که به‌طور فرعی و در کنار سایر فعالیت‌های خود به حمایت از اقلیت‌ها می‌پرداختند (مانند نهادهای هفتگانه‌ی ناظر بر معاهدات بین‌اعضای سازمان ملل)، پیشرفت خاصی در این زمینه حاصل نشد و در درگیری‌های ایدئولوژیک بین‌المللی، حقوق اقلیت‌ها عملاً به فراموشی سپرده شد.

پس از جنگ سرد، تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در آفریقا، یوگسلاوی و بسیاری مناطق دیگر و نیز ارتقاء کلی دانش بشری سببی شد برای اندیشیدن دوباره و ارتقاء بینش حقوقی جهان به مقوله‌ی اقلیت‌ها. یکی از دغدغه‌های حامیان حقوق اقلیت‌ها نیز پس از این وقایع، وضعیت ضمانت‌اجرائی انواع کنوانسیون‌ها و میثاق‌های حامی حقوق اقلیت‌ها بوده است. ضمانت‌اجرای حقوق بشر، که خود نیز وضعیت‌اجرائی چندان محکمی ندارد، در عمل، در مورد اقلیت‌ها کارایی لازم را نداشت. تا دهه‌ی ۱۹۹۰، دیدگاه حقوقی و سیاسی جهان به منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها، عمدتاً دیدگاهی سلبی بود که می‌توانست منافع دولت‌ها را در یکپارچه نگه‌داشتن کشور‌هایشان تأمین کند. دولت‌ها، منع تبعیض را صرفاً به‌عنوان جلوگیری از تبعیضات مشهودی که ممکن است پیامدهای سیاسی ناگواری برای آنها داشته باشد می‌دیدند و ترجیح می‌دادند در دوران انقلاب‌های بزرگ دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در بسیاری از مناطق جهان، چندان به آزادی اقلیت‌ها پرداخته نشود.

با تسریع پیشرفت علم و فن‌آوری در دهه‌ی ۹۰ که تأثیر زیادی بر فرهنگ‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های جهانی گذاشت و نیز رسانه‌های جدیدی چون اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، افراد اقلیت توانستند تریبونی برای اعلام هویت خود به دیگران و ارتباط با هم‌گروهان خود در سراسر جهان به‌دست‌آورند. این تغییرات شگرف، همچنان که در اقتصاد و سایر علوم رخ داد، در علم حقوق نیز بالطبع دیدگاه‌های جدیدی را به‌وجود آورد، مانند وضع قوانین تازه‌ای در رابطه با رسانه‌ها که صریحاً موادی را به اعطای امتیازات خاص به اقلیت‌ها اختصاص می‌دهد.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، منع تبعیض تا حدی از حالت سلبی خارج و در شرایطی به‌عنوان قاعده‌ای ایجابی نگریسته شد، قاعده‌ای که منع تبعیض را امتیازی برای اقلیت‌ها می‌دانست و امتیازاتی به آنها می‌داد که پیش از آن قابل تصور نبود. این دیدگاه با اینکه به حد کمال و پختگی لازم نرسیده، در قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها، بالاخص در حوزه‌ی اروپا، پیشرفت رو به گسترشی داشته است. طبق این دیدگاه، در صورت لزوم، باید به اقلیت‌ها امتیازات خاص و حتی امتیازاتی بیش از اکثریت داد تا بتوانند در راستای حق تعیین سرنوشت و حفظ هویت و موجودیت

خود، از همه‌ی جهات، خود را به سطح زندگی اکثریت برسانند. البته، این امتیازات نباید به‌شيوه‌ای غیراصولی اعطا شود، به‌گونه‌ای که سبب شکل‌گیری عرفی جدید برای اقلیت‌ها شود و خود موجب تبعیضی دیگر گردد، بلکه هدف از آن باید رساندن سطح زندگی اقلیت‌ها در تمام جوانب به سطح زندگی اکثریت باشد.

در این زمینه، کشورهای اروپایی پیشگام بوده‌اند. حجم کارهای انجام شده در اروپا، در این راستا و اجرای عملی تبعیض مثبت با سایر بخش‌های جهان قابل قیاس نیست. نقطه‌ی مقابل آن آسیاست که در آن عملاً هیچ اقدام حقوقی فراگیری برای حمایت از تبعیض مثبت صورت نگرفته است، همچنانکه در مسائل حقوق بشری نیز در این قاره کار خاصی انجام نشده است.

ب- سؤالات تحقیق

پرسش اصلی: آیا حمایت از حقوق اقلیت‌ها صرفاً در قالب اقدامات سلبی امکان‌پذیر است و یا می‌توان با تفسیری جدید از اسناد بین‌المللی، در پرتو تحولات اخیر جهانی و رویه‌ی فعلی موجود، از اقلیت‌ها حمایتی ایجابی هم به‌عمل آورد؟

پرسش‌های فرعی:

- ۱- منظور از اقلیت چیست و آیا در حقوق بین‌الملل تعریف یا تعاریفی از آن وجود دارد یا خیر و اقلیت از دیدگاه تاریخی و از منظر اسناد بین‌المللی به چه گروه‌هایی اطلاق میشود؟
- ۲- آیا مفهوم اقلیت در طول تاریخ حقوق بین‌الملل دچار تحول شده است و نیز آیا ممکن است در آینده‌ی نزدیک تحول و چالش دیگری در معانی و مفاهیم آن صورت پذیرد یا خیر؟
- ۳- تبعیض در حقوق بین‌الملل چه تعریفی دارد و تبعیض نسبت به اقلیت‌ها چه تخصیصی به معنای تبعیض به‌طور کلی وارد می‌کند؟
- ۴- آیا تبعیض می‌تواند به‌طور غیرمستقیم نیز اعمال شود و حقوق بین‌الملل، تبعیض غیرمستقیم را شناسایی نموده یا نه و آن را شکلی می‌داند یا ماهوی؟
- ۵- آیا دولت‌ها ملزم به تبعیض قائل شدن به نفع اقلیت‌ها در قلمرو خود هستند یا نه، و اگر ملزم هستند تحت چه شرایطی؟
- ۶- آیا اجرای اصل منع تبعیض به شکل موجود حمایت کافی را نسبت به اقلیت‌ها فراهم می‌آورد یا به توسعه‌ی حقوقی خاصی در این زمینه نیاز است؟
- ۷- آیا منع تبعیض در کنار اصول کلی حقوق بشر برای حمایت از اقلیت‌ها کافی است و یا اقلیت‌ها به حقوق خاص دیگری نیز جهت رفع تبعیض نیازمندند؟
- ۸- چه مراجعی در حقوق بین‌الملل صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط با تبعیض علیه اقلیت‌ها را دارند و سازوکار نظارتی آنها تا چه میزان کارایی دارد؟

ج- فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اصلی:

حمایت از حقوق اقلیت‌ها و منع تبعیض در دوران فعلی از قالب تفاسیر سلبی صرف خارج شده و به تدریج با نگرشی ایجابی بدان نگرسته می‌شود که منتهی به اعطای امتیازاتی خاص (حتی بیش از اکثریت) به اقلیت‌ها خواهد شد تا جایی که بتوانند جایگاه خود را به سطح اکثریت برسانند.

فرضیه‌ی رقیب:

تبعیض مثبت نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل هرگز جهان‌شمول نخواهد شد و در صورت وارد شدن آن به قوانین داخلی کشورها از لحاظ نظری، همانند بسیاری دیگر از قوانین حقوق بشری، قابل اجرا و پیاده‌سازی نخواهد بود.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- با وجود فقدان تعریفی واحد از اقلیت و تبعیض، در طول زمان، عناصر شناسایی این مفاهیم تا حد قابل قبولی تبیین شده است.
- ۲- پدید آمدن رسانه‌های جدید در جهان موجب تغییر نگرش نسبت به اقلیت‌ها شده است و چالش‌های حقوقی تازه‌ای پدید آورده است.
- ۳- تبعیض ممکن است به‌طور غیرمستقیم هم اعمال شود.
- ۴- دولت‌ها ملزم به اجرای قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها هستند.
- ۵- اجرای اصل منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها، حمایت کافی را از ایشان به عمل نمی‌آورد زیرا از این قاعده عمدتاً تفسیری سلبی به‌عمل می‌آید.
- ۶- تبعیض نسبت به اقلیت‌ها از حالت شکلی صرف خارج شده و ضرورت ماهوی بودن آن جزو دکترین فعلی حقوق بین‌الملل است.
- ۷- اصول کلی حقوق بشر برای حمایت خاص از اقلیت‌ها کافی نیست.
- ۸- در حال حاضر، به جز به شکلی نسبی در اروپا، مراجع ناظر بر اجرای قاعده‌ی منع تبعیض، قدرت اجرایی لازم و کافی را برای جلوگیری از تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در اختیار ندارند.

د- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در ایران، کتب و مقالات معدودی درباره‌ی اقلیت‌ها نوشته شده است. تنها کتاب جامعی که اختصاصاً به مقوله اقلیت‌ها پرداخته، *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل* نوشته‌ی دکتر ستار عزیزی است که در یک مبحث ۲۸ صفحه‌ای اصل منع تبعیض را بررسی نموده و از این میان، ۳ صفحه به تبعیض مثبت اختصاص دارد.^۱ عمده‌ی بحث این کتاب ارزشمند معطوف به ماهیت نظام حقوق اقلیت‌ها به‌طور کلی است و به قاعده‌ی منع تبعیض به‌طور اختصاصی نمی‌پردازد، ولی در عین حال، ارجاعات و جزئیات آماری در کل کتاب مستند و بی‌نظیر است. در مبحث فوق دکتر عزیزی ابتدا به جایگاه قاعده‌ی منع تبعیض در جهان پرداخته و سپس به ارائه‌ی تعاریفی از تبعیض غیرمستقیم و تبعیض مثبت بسنده نموده است.

کتاب دیگری که در این زمینه در ایران موجود است، مختص قاعده منع تبعیض می‌باشد.^۲ این کتاب با عنوان اصلی *حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها*، در سال ۹۳ توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است. از سال ۱۹۹۳ تاکنون تغییرات زیادی در زمینه‌ی حقوق اقلیت‌ها در جهان به‌وقوع پیوسته که در این کتاب یافت نمی‌شود. ترجمه‌ی تلخیص شده‌ی این کتاب در ۷۰ صفحه (اصل آن ۴۶۴ صفحه بوده است) در سال ۱۳۷۹ در ایران چاپ شده^۳ که ضمن تلخیص فراوان، مشکل قدیمی بودن برخی مطالب آن پابرجاست. در این کتاب بیشتر به نقل قول‌های مبتنی بر منع تبعیض به‌عنوان قاعده‌ای سلبی بسنده شده است.

آقای دکتر زمانی هم مقاله‌ای تحت عنوان *حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر* به چاپ رسانده‌اند^۴ و در آن رشد و توسعه‌ی حقوق ماهوی اقلیت‌ها را در قالب اسناد جهانی حقوق بشر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. ایشان پس از بررسی تاریخی وضعیت حقوق اقلیت‌ها، معنا و مفهوم اقلیت در قلمرو حقوق بشر و حقوق و تکالیف اقلیت‌ها، به مسأله‌ی خودمختاری اقلیت‌ها پرداخته‌اند. نگرش این مقاله، نگرشی حقوق بشری است.

۱- ستار، عزیزی، *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل*، انتشارات نورعلم، همدان، ۱۳۸۵، چاپ اول، صص ۱۶۵-۱۳۷.

2- Patrick, Thornberry, *International Law and the Rights of Minorities*, Oxford University Press, 1993.

۳- پاتریک، تورن بری، *حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها*، ترجمه‌ی آزیتا شمشادی و علی اکبر آقایی، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.

۴- سید قاسم، زمانی، *حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر*، مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره‌ی ۶، ۱۳۸۶، صص ۱۸۵-۱۴۵.

ه- هدف تحقیق

پس از پایان جنگ سرد، در جهان تمایلی به منطقه گرایی و محلی گرایی به وجود آمد. این پدیده موجب پدیداری تمایلات گروه‌گرایانه و منطقه‌گرایانه شد و بسیاری از افراد دخیل در آن را کسانی تشکیل می‌دادند که اقلیت نامیده می‌شوند. این امر چالش‌های جدیدی را در حقوق بین‌الملل ایجاد نموده که شایسته است به آن پرداخته شود. متأسفانه، در کشور ما، علی‌رغم وجود جمعیت‌های وسیع اقلیت، به این مسأله توجه چندانی نشده است. در کشوری همچون ایران، که تنها نمونه از این نوع نیست، همه‌ی افراد به‌نوعی در یک گروه‌بندی اقلیتی قرار می‌گیرند. بیشتر گروه‌های اقلیت در جهان و مدافعانشان، راهکارهای حقوقی را برای اجتناب از سیاست زدگی، بهترین راه حل جهت حفظ و احیاء هویت تاریخی- فرهنگی و کسب امتیاز از دولت‌ها برای تساوی با اکثریت می‌دانند. مهم‌ترین جنبه‌ی این رویکرد، تبعیض مثبت است که مورد کنکاش چندانی قرار نگرفته است. در سال‌های آخر دهه‌ی نود تاکنون جهان شاهد تحولاتی عمیق در نگرش حقوقی نسبت به اقلیت‌ها بوده است. در این نوشته، هدف، تحلیل تفاسیر موجود در اسناد بین‌المللی نسبت به قاعده‌ی منع تبعیض در قبال اقلیت‌ها، بررسی سیر تاریخی و حقوقی و جایگاه و نگرش به قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها تا دوران کنونی است که به سمت دیدی ایجابی نسبت به حقوق اقلیت‌ها در جوامع پیش می‌رود.

و- نقطه‌ی تمرکز تحقیق

پایان نامه‌ی حاضر در صدد اثبات این مسأله است که با تفسیری غیرمضیق و در راستای تفسیر منطقی عبارات و سیاق منابع مکتوب حقوق بین‌الملل و نیز با توجه به عرف و رویه‌ی بین‌المللی، مخصوصاً از اواسط دهه‌ی نود تاکنون، می‌توان قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها را قاعده‌ای شناخت که مجوز اعطای امتیازات خاص و ویژه به اقلیت‌ها را به‌دست می‌دهد. در برخی موارد، این مجوز حالت دستوری نیز دارد. در غیر این صورت، اگر این قاعده بسیار مضیق تفسیر شود، به‌مرور زمان، شاهد از بین رفتن هویت و موجودیت اقلیت‌ها در سطح جهان خواهیم بود.

ز- روش تحقیق و گردآوری داده‌ها

تحقیق حاضر به روش علی-همبستگی و گردآوری داده‌ها به‌شکل کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است و اطلاعات لازم در خصوص موضوعات تحقیق از طریق مطالعه‌ی کتب، مقالات و پایگاه‌های رسمی اینترنتی مربوط جمع‌آوری شده است. داده‌های این تحقیق از منابع زیر گردآوری شده است:

- ۱- مقالات مراکز معتبر خارجی که به امور اقلیت‌ها می‌پردازند، چه از طریق پایگاه‌های رسمی اینترنتی و چه متن چاپ شده‌ی مقالات،
- ۲- متن اصلی معاهدات، توافقنامه‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی که نگارنده به اکثر آنها مستقیماً رجوع نموده‌است.
- ۳- کتب و مقالات معدود تألیفی یا ترجمه شده به فارسی

از آنجا که یکی از کارهای حرفه‌ای نگارنده، ترجمه می‌باشد، و از آنجا که در ترجمه‌های موجود از اسناد و مقالات بین‌المللی، ضد و نقیض‌هایی مشاهده شده، لذا ترجیحاً ضمن در نظر گرفتن ترجمه‌های موجود از برخی منابع به فارسی، به اسناد اصلی به زبان انگلیسی رجوع شده‌است. در عین مطالعه‌ی متون فارسی، متن فارسی با متن اصلی قیاس شده و در مواردی، با حفظ پیوستاری متن و وفاداری کامل به آن، عمدتاً به دلیل یکدست شدن متن فعلی از لحاظ محتوایی و جلوگیری از استفاده از عبارات متفاوت برای متن یا مفهومی واحد، نگارنده به قلم خود، متن اصلی را ترجمه نموده است و مسؤولیت هرگونه اشتباهی را به‌عهده می‌گیرد. بدیهی است اکثریت قریب به اتفاق ترجمه‌های موجود برای نگارنده بسیار محترم و ارزشمند است.

ح- سازماندهی پژوهش

متن حاضر، در دو بخش ارائه شده است: بخش اول با عنوان **کلیات قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها و سازوکار نظارتی آن** به مفهوم اقلیت و سیر تحولات تاریخی-حقوقی آن، مفهوم قاعده‌ی منع تبعیض، تبعیض غیرمستقیم و سازوکار نظارت بر منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها می‌پردازد؛ این بخش به کلیات مفاهیم قدیمی و جدید مرتبط با منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها تا جایی که ممکن و مربوط است به‌طور مبسوط می‌پردازد.

بخش دوم با عنوان **حرکت در راستای تبعیض مثبت**، به تغییر نگرش‌های پدید آمده در مورد قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در دوران معاصر و بالاخص، از دهه‌ی نود تا به امروز و پیش بینی چشم انداز آن، با تحلیل تفاسیر ارائه شده و قوانین وضع شده در این دوره می‌پردازد.

در این تحقیق سعی بر این بوده است که ابتدا سیر تحول حقوقی-تاریخی قاعده‌ی منع تبعیض از گذشته تا حال بررسی شود و سپس در بخش دوم، به تحولات آن در اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم پرداخته شود. در انتها، با ابتدای بر پرسش‌ها و فرضیه‌های موجود، به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

بخش اول:

کلیات قاعده‌ی منع تبعیض
نسبت به اقلیت‌ها و سازوکار
نظارتی آن

مقدمه

در بخش اول به مفاهیم کلی مرتبط با قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها پرداخته خواهد شد. دو مفهوم کلیدی مرتبط با قاعده‌ی منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها عبارتند از: *اقلیت* و *قاعده‌ی منع تبعیض*. در کنار این دو مفهوم، دو مفهوم فرعی دیگر نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت: *تبعیض غیرمستقیم* که می‌توان گفت در رویه و اسناد بین‌المللی مرتبط با قاعده‌ی منع تبعیض، مفهومی نسبتاً جدید می‌باشد و *سازوکار نظارتی* ارگان‌ها و نهادهای بین‌المللی ناظر بر تبعیض علیه اقلیت‌ها که جزء لاینفک بررسی مفاهیم قبلی است چرا که پرداختن به قاعده‌ی منع تبعیض در حقوق بین‌الملل بدون پرداختن به نحوه‌ی رسیدگی به نقض آن کاری ناقص می‌نماید. در مباحث این بخش، در کنار بررسی اسناد حقوق بین‌الملل، رویه‌ی دولت‌ها، کمیته‌های بین‌المللی و دادگاه‌های بین‌المللی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در مواردی هم جهت شفاف‌سازی بحث به برخی قوانین داخلی کشورها اشاره می‌شود.

اولین مسأله‌ای که در ارتباط با اقلیت‌ها به ذهن متبادر می‌شود این است که اقلیت از لحاظ حقوقی به چه کسانی اطلاق می‌شود و این اطلاق عام است یا نسبی، بدین معنا که مفهوم اقلیت در مثلاً اسناد حقوق بین‌الملل اروپایی با اسناد مشابه آمریکایی یا سازمان ملل مشابه است یا هر کدام از این‌ها درک متفاوتی از معنای اقلیت دارند؟ تعریف حقوقی اقلیت مسبوق به تعریف عناصری است که مشترکاً این مفهوم را می‌سازند. لذا، باید عناصر سازنده‌ی این مفهوم نیز بر ما روشن شود. آنچه ما در زمان خود از مفهوم اقلیت می‌فهمیم با آنچه چند قرن پیش فهمیده می‌شد، طبیعتاً، مانند دیگر حوزه‌های فکری، تفاوت‌های عمده‌ای نموده است که ناشی از تأثیرات عوامل حقوقی و فکری گوناگون طی چند سده است. این تغییر فهم را می‌توان در چند دهه‌ی اخیر نیز مشاهده کرد.

در دوران ما، مهم‌ترین اسنادی که بیانگر انعکاس حمایت از انسان‌هاست منشور ملل متحد، *اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر*، *میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی* و *میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی* می‌باشد. بررسی این اسناد و اسناد وابسته به آنها نیز در این مبحث حائز اهمیت است؛ ضمن این که پس از جنگ سرد، تغییرات فراوانی در نگرش حقوقی بین‌المللی نسبت به اقلیت‌ها به وجود آمده که نسبت به منشور بسیار تکامل یافته‌تر و عینی‌تر است. در فصل اول سعی شده است به سؤالات فوق به شکلی جامع پاسخ داده شود ولی از آنجا که بیان مفهوم اقلیت نسبت به بیان مفهوم منع تبعیض در رابطه با اقلیت‌ها در این تحقیق فرعی محسوب می‌شود، نگارنده سعی نموده، تا جای ممکن، فضای زیادی به این بحث اختصاص نداده و در حد شفاف‌سازی مطلب و آن میزان که به‌عنوان پیش نیاز و درآمدی جهت بسط مفهوم منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها لازم است بدین موضوع بپردازد.

منع تبعیض مانند هر مفهوم حقوقی دیگری در طول زمان دچار تحولاتی در عناصر تعریف گردیده و با تحولات حقوقی فراوانی که در قرن بیستم صورت گرفته لازم است این تغییرات را بررسی کرده و به دیدی امروزی رسید. به‌خصوص دو نهاد بین‌المللی عمده، یعنی جامعه‌ی ملل و

سازمان ملل، که داعیه‌ی حمایت از حقوق بشر را داشته‌اند، با مصوبات خود بر این مفهوم تأثیر عمده‌ای گذاشته‌اند.

به موازات سازمان ملل و کمیته‌های برگرفته شده از مصوبات بعدی میان اعضای آن، حقوقدانان اروپایی نیز در دهه‌های اخیر در تکامل مفهوم منع تبعیض بسیار تأثیرگذار بوده و نقش عمده‌ای در شفاف‌سازی آن ایفا کرده‌اند.

از میان تمام ارگان‌های بین‌الدولی، کمیته‌ی حقوق بشر نظرات تعیین‌کننده‌ای در موارد مربوط به تبعیض و حقوق بشر ارائه نموده؛ لذا، بررسی نظرات آن باید به شکلی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر صورت پذیرد. موارد فوق با ارائه تحلیل‌های قیاسی مورد تحقیق و بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی تبعیض غیرمستقیم را با بررسی دیدگاه‌های ارگان‌های مختلف سازمان ملل بعنوان جامع‌ترین سازمان بین‌الدول در حال حاضر آغاز می‌نماییم. چنانچه تبعیض غیرمستقیم مورد شناسایی قرار گیرد، علاوه بر متون صریح، می‌توان جهت احراز تبعیض، به علل دیگری چون آثار پدید آمده، طبقه‌ی اجتماعی مورد نظر و غیره استناد نمود و بدین طریق از اعمال تبعیض با توجیه تصریح نداشتن در اسناد بین‌المللی جلوگیری به عمل آورد.

از آن‌جا که احراز تبعیض غیرمستقیم مستلزم بررسی مواردی غیر از تصریح قانونی می‌باشد، وجود رویه‌ای متحدالشکل بین ارگان‌های بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند موجب ایجاد معیارها و ملاک‌هایی برای تشخیص این شکل از تبعیض باشد.

تبعیض غیرمستقیم در مقابل تبعیض مستقیم مطرح می‌شود. یعنی تبعیضی که در اسناد بین‌المللی یا ملی به صراحت بیان نشده یا بدان هیچ اشاره‌ای نشده است.

ایجاد مجموعه‌ای از قوانین بدون ایجاد آیینی جهت رسیدگی به نقض آن‌ها کاری عبث می‌نماید زیرا طبیعتاً هدف از وضع هر قانونی اعمال آن است. لذا، در این فصل به بررسی نهادها و آیین‌های رسیدگی به نقض اصل منع تبعیض نیز پرداخته خواهد شد.

فصل اول:

مفهوم اقلیت و سیر تحولات تاریخی -
حقوقی آن

گفتار اول: مفهوم حقوقی اقلیت در سیر تحولات تاریخی

در طول تاریخ، قلمرو مفهوم اقلیت بارها دچار تغییر و تحول شده است. نگرش نسبت به مفهوم اقلیت پیش از جنگ جهانی اول و پس از آن بسیار متفاوت بوده است. در میان اسناد مهم بین المللی برای اولین بار در معاهدات صلح وستفالی (معاهده‌ی Münster) در سال ۱۶۴۸ طبقه بندی از اقلیت‌ها در چارچوب مذهب صورت گرفت. این معاهدات به مسیحیان ساکن پرنس‌نشین‌هایی که فرقه‌شان مطابق با کلیسای رسمی نبود حق انجام مناسک مذهبی را در ملاء عام در ساعات مشخصی از روز اعطا می کرد. این اقلیت‌ها، طبق معاهده، حق داشتند به‌طور خصوصی هر زمان که اراده کنند مناسک مذهبی خاص خودشان را اجرا نمایند. بدین ترتیب، معاهدات صلح وستفالی مقرراتی در خصوص حمایت از اقلیت‌های مذهبی و تأمین آزادی انجام عبادات آنها تدوین نمود.

در این زمان در ممالک اسلامی، اقلیت‌های مذهبی با توجه به مقررات فقه اسلامی از استقلال کامل در حوزه احوال شخصیه برخوردار بودند و غیرمسلمانان آزاد بودند تابع مقررات مذهبی خود در اموری همچون ازدواج، طلاق، ارث، وصیت و غیره باشند. حتی رعایت برخی مقررات کیفری اسلامی از جمله ممنوعیت شرب خمر، در مورد غیرمسلمانان الزامی نبود.^۱

همچنین معاهده‌ی برلین در سال ۱۸۷۸، که سند نهایی کنگره برلین (۱۳ ژوئن الی ۱۳ ژوئیه، ۱۸۷۸) محسوب می‌شود، وضعیت حقوقی ویژه‌ای به برخی گروه‌های مذهبی اعطا نمود که بعدها در چارچوب جامعه‌ی ملل بعنوان الگویی برای نظام حقوقی اقلیت‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

شروع تحول در نگرش نسبت به اقلیت‌ها را در دوران معاصر می‌توان از زمان صدور نظرمشورتی از سوی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی بنا به درخواست شورای جامعه ملل در مورد مدارس اقلیت در آلبانی در سال ۱۹۳۵ دانست.^۲

در زمان جامعه‌ی ملل، معاهدات دوجانبه متعددی در ارتباط با اقلیت‌ها بین جامعه و اعضای آن منعقد شد. در این زمان، اقلیت‌ها از گروه‌های مذهبی صرف به اقلیت‌های نژادی، زبانی یا مذهبی تقسیم شدند. در سال ۱۹۳۵، شورای جامعه ملل، در دعوی یونان علیه آلبانی در قضیه مدارس اقلیت در آلبانی، از دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تقاضای صدور رأی مشورتی نمود. شورا در این تقاضا به دو سند استناد نمود: ماده ۵ اعلامیه آلبانی در مورخه دوم اکتبر ۱۹۲۱ و مواد ۲۰۶ و ۲۰۷ قانون اساسی ۱۹۳۳ آلبانی. طبق ماده ۵ اعلامیه آلبانی در مورخه دوم اکتبر ۱۹۲۱:

۱- عباسعلی، عمید زنجانی، فقه سیاسی: حقوق تعهدات و دیپلماسی در اسلام، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
2- Kristin, Henrard, *The Impact of International Non-Discrimination Norms in Combination with General Human Rights for the Protection of National Minorities*, Committee of Experts on Issues Relating to the Protection of National Minorities (DH-MIN), Council of Europe, 2006, p1.

"اتباع آلبانیایی که به اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی تعلق دارند، مانند دیگر اتباع آلبانیایی، از رفتار و امنیت حقوقی و عملی مشابهی برخوردار خواهند بود. بویژه، دارای حقوق مساوی جهت تأسیس مؤسسات، مدارس و یا سایر نهادهای آموزشی خیریه، مذهبی و اجتماعی در آینده با حفظ حق استفاده از زبان خود در راستای انجام آزادانه امور مذهبی خود در این مکان‌ها خواهند بود."

و طبق مواد ۲۰۶ و ۲۰۷ قانون اساسی ۱۹۳۳ آلبانی:

"تربیت و آموزش اتباع آلبانیایی در انحصار دولت بوده و در مدارس دولتی انجام می‌شود. آموزش ابتدایی برای همه تابعین آلبانیایی الزامی بوده و به‌طور رایگان اجرا خواهد شد. مدارس خصوصی، در هر طبقه‌بندی، که در حال حاضر فعال است، بسته خواهد شد."

شورا این موضوع را مطرح نمود که آیا این مواد از قانون اساسی شامل مدارس اقلیت نیز می‌شد و یا این که این مدارس می‌توانستند فعالیت‌های خود را ادامه دهند. دیوان به این نتیجه رسید که بخش اول ماده ۵ اعلامیه فوق، به تابعین آلبانیایی که به اقلیت‌های نژادی، زبانی یا مذهبی تعلق دارند، این حق را می‌دهد که به تأسیس مؤسسات، مدارس و یا سایر نهادهای آموزشی خیریه، مذهبی و اجتماعی در آینده، با حفظ حق استفاده از زبان خود در راستای انجام آزادانه امور مذهبی خود در این مکان‌ها، بپردازند.^۱

بدین ترتیب، دیوان سه طبقه‌ی اقلیتی زبانی، مذهبی و نژادی را مورد شناسایی قرار داده بود. ولی با این وجود، دیوان هرگز به تعریف و معیار طبقه‌بندی اقلیت‌ها نپرداخت که با وجود صراحت در صدور رأی فوق می‌توان گفت عدم ارائه چنین تعریفی آگاهانه بوده است.

مفهومی که بعضاً در کنار مفهوم اقلیت‌ها مطرح می‌شود، مردم بومی است. این عبارت برای اولین بار^۲ در سال ۱۹۸۳ توسط مارتین کوبو، گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر، تعریف شد.^۳ البته در نگارش این تعریف از عبارت *جوامع، خلقها و ملت‌های بومی* استفاده شده است.

1- PCIJ, Minority Schools in Albania, Advisory Opinion 26, Ser. A/B, No 64, 1935.

۲- ستار، عزیزی، همان، ص ۱۲۰.

۳- "جوامع، خلقها و ملت‌های بومی، گروه‌هایی هستند که از دورانه‌های پیش از حضور متجاوزان و استعمارگران با سرزمین محل سکونت خود پیوندی تاریخی داشته‌اند و گروه خود را از دیگر بخش‌های جامعه‌ای که در حال حاضر بر سرزمین آنها یا بخش‌هایی از آن غلبه دارد متمایز می‌دانند و در حال حاضر، گروه غیرحاکم جامعه را تشکیل می‌دهند و بر اساس الگوهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی و نظام‌های حقوقی‌شان خواستار حفظ و توسعه زمین‌های موروثی و هویت قومی خود و انتقال آن به نسل‌های بعدی هستند."

Martines, Cobo, Study of the Problem of Discrimination against Indigenous Populations, E/ CN.4/ sub.2/ 1986/7 Add. 1-4.